



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی
وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فقه و حقوق اسلامی

عنوان:

تحلیل جایگاه و احکام مرگ مغزی در حقوق ایران و اسلام و دیدگاه حضرت امام خمینی (سلام الله علیه)

اسناد راهنما:

جناب آقای دکتر عبدالعلی توجهی

استاد مشاور:

حضرت آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی (دام ظلّه العالی)

پژوهشگر:

فاطمه سیاح

بهار ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی و معنوی این پایان نامه متعلق به پژوهشکده می باشد.

چاپ پایان نامه و استخراج مقاله از پایان نامه باید به نام پژوهشکده، با تأیید استاد راهنما و با مجوز معاونت پژوهشی باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره: ۵۲، ۱۶، ۵۹، ۲۵، ۱
تاریخ: ۱۳۹۱/۳/۹ - ۹
پیوست:



ژوئیه، شکره امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی

وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

باسمه تعالی

صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولیعصر (عج) و با درود و سلام به روان پاک حضرت امام خمینی (س) جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

خانم فاطمه سیاح دانشجوی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

تحت عنوان: «تحلیل جایگاه و احکام مرگ مغزی در حقوق ایران و اسلام و دیدگاه حضرت امام خمینی (س)»

در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۸ با حضور هیأت داوران در پژوهشکده امام خمینی (س) برگزار گردید و به موجب آیین نامه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد، ارزشیابی هیأت داوران به شرح زیر تعیین گردید:

قبول با درجه عالی
 قبول مشروط با درجه: (با اصلاح).....
 امتیاز:.....
 امتیاز:..... مرجع تأیید نهایی:
 مردود
شرح اصلاحات مورد نیاز:

توضیح: بنا به مصوبه کمیسیون تخصصی آموزش و پژوهش پژوهشکده امتیاز پایان نامه ها به شرح زیر مشخص میگردد:

الف) قابل قبول از	۱۴ به بالا	۱۹-۲۰	۳- قبول با درجه خوب	۱۶-۱۷/۹۹
۱- قبول با درجه عالی	✓			
۲- قبول با درجه بسیار خوب				
۳- قبول با درجه خوب				
۴- قبول با درجه خوب				
ب) مردود				

اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما:	جناب آقای دکتر عبدالعلی توجهی	رئیس	
۲- استاد مشاور:	حضرت آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی		
۳- استاد داور:	جناب آقای دکتر عیسی ولایی		
۴- استاد داور:	جناب آقای دکتر علی انصاری		

امضاء
مدیریت تحصیلات تکمیلی

امضاء
نماینده تحصیلات تکمیلی

امضاء
مدیر گروه

تهران، خیابان فردوسی شمالی، ابتدای خیابان شهید تقوی (کوشک) پلاک ۶۲، تلفن ۴-۶۶۷۴۴۰ و ۷-۶۶۷۴۲۰، شماره ۱۹۵۹۲۹/۱ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶ از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری

پست الکترونیک: info@ri-khomeini.com

وب سایت اینترنتی: www.ri-khomeini.com

با آرزوی تعجیل در فرج آقا و مولایمان ولی امر مسلمین جهان،

حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

برای تحقق بخشیدن عملی به احکام قرآن

أَيْنَ الْمُؤْمَلِّ لِإِمِيَاءِ الْكِتَابِ وَ مَدُوْدِهِ. أَيْنَ مَمِيٍّ مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ

کجاست آن کسی که آرزو داریم قرآن کریم و حدود آن را احیا کند؟

کجاست آن کسی که علوم دینی و اهل آن را زنده نگه می‌دارد؟

سپاس خدایم را که هر چه دارم از اوست.

او که هرگز تنهاییم نگذاشت و مهربانانه هر زمان که در مانده از همه چیز و همه کس شدم، با آغوش باز پذیرایم بود و در نهایت لطف و بزرگواری،
چایتم کرد.

ای دولت باوفای من، در سخت ترین شرایط یاورم بوده ای. باز هم تمنا دارم در راه درست زندگی و سعادت یاریم کنی.

باشکر و قدردانی از اساتید فرزانه و بزرگوارم حضرت آیت الله مجتهدی و جناب آقای دکتر توحیدی که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی بنده را در انجام این پایان نامه یاری کردند و به حق بدون مساعدت و راهنمایی های ایشان این پروژه به نتیجه مطلوب نمی رسید.

ای روح بزرگ تو سرشار تر از دریا

اندیشه و الایت در و کمر زرفا

در قدر و مقام تو این بس سخن مولا

من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً

تقدیم بہ:

آخرین ذخیرہ الہی، مولانا سرورمان

حضرت بقیۃ اللہ الاعظم (ارواحنا لہ الفدا)

و تقدیم بہ

روان پاک و مطہر حضرت امام (رہ) و ارواح طیہ شہداء

تقدیم بہ

ہمسرم، اسطورہ زندگیم، پناہ محبتگیم و امید بودنم۔

تقدیم بہ

پدرم کہ عالمانہ بہ من آموخت تا چگونه در عرصہ زندگی ایستادگی را تجربہ نمایم۔

و

مادرم، دریای بی کران فداکاری و عشق کہ وجودم برایش ہمہ رنج بود و وجودش برایم ہمہ مہر

تقدیم بہ

فرزند انم، با ارزش ترین رحمت و والاترین

نعمتی کہ خداوند گریانہ بہ من عطا فرمود

چکیده فارسی:

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی: فقه و حقوق اسلامی
عنوان پایان نامه: تحلیل جایگاه و احکام مرگ مغزی در حقوق ایران و اسلام و دیدگاه حضرت امام خمینی (سلام الله علیه)
نام و نام خانوادگی دانشجو: فاطمه سیاح
استاد راهنما: جناب آقای دکتر عبدالعلی توجهی
استاد مشاور: حضرت آیت الله بجنوردی (دام ظلّه العالی)
تاریخ شروع پایان نامه: تیرماه سال ۱۳۹۰
تاریخ اتمام پایان نامه: خردادماه سال ۱۳۹۱
چکیده شامل هدف تحقیق، روش تحقیق، طرح تحقیق و یافته‌ها و نتایج تحقیق می‌باشد).
<p>چکیده:</p> <p>مرگ مغزی از موضوعات مبتلی به جامعه‌ی ما می‌باشد و از آن جا که از مسائل نو پیدای پزشکی است، نیازمند استنباط احکام فقهی متناسب با مقتضیات زمان است.</p> <p>برای تبیین احکام و قوانین مربوط به مرگ مغزی باید آن را در قالب یکی از دو حالت مرگ یا حیات قرار دهیم و از آن جا که معیار تمیز مرگ و حیات، علقه و ارتباط میان جسم و روح است، چنان چه این علقه و ارتباط از بین برود سبب فوت انسان می‌گردد.</p> <p>تأثیر و ارتباطی که روح با بدن دارد از طریق آثاری که بر بدن می‌گذارد قابل درک و توصیف است و پس از بررسی وظایف و آثار مغز در بدن مشخص می‌شود که وظایفی که روح در بدن دارد و آثاری که بر بدن می‌گذارد عیناً همان وظایفی است که مراکز عالی مغز بر عهده دارد. بر این اساس با مرگ سلول‌های مغز که محل بروز آثار تصرف روح بر بدن هستند، روح محلی برای تسلط بر بدن نداشته و قالب جسم را ترک می‌کند و مرگ قطعی اتفاق می‌افتد و صرف حیات سلولی و عضوی فرد به صورت موقتی - نمی‌تواند دلیل بر بقای حیات فرد باشد.</p> <p>لذا مرگ مغزی بنابر تصریح برخی حقوقدانان نمی‌تواند مصداقی از حیات غیر مستقر باشد. و هنگامی که مرگ مغزی توسط پزشکان متخصص و پزشکی قانونی تأیید شود، حیاتی در این شخص تصور نمی‌شود که قابل تفکیک به مستقر و غیر مستقر باشد.</p> <p>کلید واژه: مرگ - روح - کما - حیات نباتی - حیات غیرمستقر - مرگ مغزی</p>

Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Center

Program: Master of Arts
Major: Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law
Thesis Title: An Analysis of the Position on and Decisions on Stroke in the Iranian and Islamic Laws and Imam Khomeini's Viewpoint
Student: Fatemeh Sayyah
Supervisor: Dr. Abdolali Tavajjohi
Advisor: Hazrat Ayatollah Bojnourdi
Beginning date of writing thesis:
Completion date of writing thesis:
Abstract (Research Aim, Methodology, Proposal, Findings and Result)
Abstract: <p>Brain death is one of the issues striking our society, and since it is a nascent issue in medicine, it requires inference of the juridical decisions befitting time requirements. In order to explain the decisions and rules germane to brain death, it should be taken into consideration either in state of death or in state of life, and because the criterion for distinguishing death and life, is the relationship between body and soul ,lack of this relationship will lead to human death. The impact and relationship between soul and body can be understood and described through their effects on body, and a survey of brain duties in and its effects on body demonstrates that soul's duties in body and its effects on body are exactly the same as the duties entrusted to the top elements of brain. Therefore, with death of brain cells in which the effects of soul's dominance over the body realize, the soul has no place to dominate over the body and quits the physical body and definite death occurs, and mere temporary cellular and organ life of a person cannot prove his/her survival. As a result brain death, as made explicit by some lawyers, cannot be an instance of non-settled life, and by the time brain death is verified by medical specialists and forensic medicine, no life is imagined in this person that can be divided into settled and non-settled.</p>
Keyword: Death, Soul, Comma, Vegetable life, non settled life, Brain death

ملخص بحث مقدم لنيل درجة الماجستير
معهد بحوث الإمام الخميني و الثورة الإسلامية

المرحلة الدراسية : الماجستير
الفرع الدراسي : الفقه و مبادئ الحقوق الإسلامية
عنوان البحث: تحليل مكانة و أحكام الموت الدماغي في القانون الإيراني و الحقوق الإسلامية و في رؤية الإمام الخميني
الاسم و الاسم العائلي للطالبة مقدمة البحث : فاطمة سياح
الأستاذ المشرف : سعادة الدكتور عبدعلي توجهي
الأستاذ المشرف المساعد: سماحة آية الله بجنوردي (دام ظلّه العالی)
تاريخ البدء في إعداد البحث : شعبان ١٤٣٢
تاريخ الانتهاء من البحث : رجب ١٤٣٣
ملخص :
<p>يعتبر الموت الدماغي من القضايا التي يواجهها الناس في مجتمعنا اليوم ، و بما أنه من الظواهر الحديثة في علم الطب البشري فيكون بحاجة إلى استنباط الأحكام الفقهية بشأنه على نحو ملائم لظروف و مقتضيات العصر .</p> <p>و لتبيين الأحكام و القوانين المتعلقة بالموت الدماغي يجب وضعه في اعتبار إحدى الحالتين : الموت أو الحياة ، و من حيث ان المعيار في التمييز بين الموت و الحياة هو العلاقة و الصلة بين الروح و الجسد ، فيموت الإنسان اثر زوال هذه الصلة .</p> <p>إن التأثر و الاتصال الموجود بين الروح و الجسد يمكن ادراكه و وصفه عن طريق التأثير الذي تتركه الروح على الجسد و بعد دراسة وظائف و تأثيرات الدماغ في الجسد يتبين أن الوظائف التي تؤديها الروح في الجسد و التأثيرات التي تتركها في الجسد هي نفس الوظائف و الأدوار التي تقوم بها مراكز المخ العالية . و على هذا الأساس ، فموت خلايا الدماغ التي تعتبر محل ظهور آثار تصرف الروح في الجسد ، لا يبقى محل لسيطرة الروح على الجسد فتغادر قالب الجسد و يحدث الموت القطعي ، و ليس من شأن مجرد الحياة الخلبية و العضوية لدى الفرد بصورة مؤقتة أن تدل على بقاء الحياة له .</p> <p>و لذلك ، فإن الموت الدماغي ، و حسب رأى بعض علماء القانون ، ليس من شأنه أن يشكل حالة من الحياة غير المستقرة . و إذا أكد الأطباء المختصون و الطب الشرعي حدوث الموت الدماغي لشخص ما فلاتصور له حياة يمكن اعتبارها في التصنيف كحياة مستقرة أو حياة غير مستقرة .</p> <p>لغات الرئيسية: الموت - الروح - اغماء - الحيوية النباتي - الحياة غير المستقرة - الموت الدماغي</p>

فهرست اجمالی

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۸	فصل اول: تبیین مفاهیم، پیشینه مرگ مغزی و بررسی حقیقت حیات و مرگ
۲۸	فصل دوم: ویژگی‌های مرگ مغزی، تشخیص و احکام مربوط به آن
۵۹	فصل سوم: مرگ مغزی در قوانین ایران و دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)
۸۵	نتیجه‌گیری
۸۷	فهرست منابع و مأخذ

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
۱- بیان موضوع و انگیزه انتخاب	۱
۲- ضرورت تحقیق و اهداف آن	۲
۳- سؤالات	۴
۴- پیشینه پژوهش	۴
۵- شیوه‌ی کار و تنگناها	۵
۶- تقسیم مطالب	۶
فصل اول: تبیین مفاهیم، پیشینه مرگ مغزی و بررسی حقیقت حیات و مرگ..... ۸	
مبحث اول: مفاهیم و پیشینه مرگ مغزی	۱۰
گفتار اول: مفاهیم	۱۰
الف) مرگ مغزی	۱۱
ب) واژگان مرتبط	۱۲
۱- کما	۱۲
۲- حیات نباتی	۱۲
۳- موت مشتبه	۱۳
۴- حیات ناپایدار	۱۳
گفتار دوم: پیشینه مرگ مغزی	۱۳
الف) تاریخچه شکل‌گیری نظریه مرگ مغزی	۱۴
ب) تاریخچه مرگ مغزی در ایران	۱۶
مبحث دوم: بررسی حقیقت حیات و مرگ..... ۱۸	
گفتار اول: حیات و مرگ از دیدگاه فقه	۱۸
الف) مرگ در منابع شرعی	۱۹
ب) نشانه‌های حیات در منابع شرعی	۲۲

گفتار دوّم: حیات و مرگ از منظر علم پزشکی ۲۳

الف) طرح نظریه‌ی مرگ مغزی ۲۴

ب) مراحل حیات و حیات عضوی ۲۶

فصل دوّم: ویژگی‌های مرگ مغزی، تشخیص و احکام مربوط به آن ۲۸

مبحث اوّل: ویژگی‌ها و تشخیص مرگ مغزی ۳۱

گفتار اوّل: ویژگی‌های مرگ مغزی ۳۱

گفتار دوّم: تشخیص مرگ مغزی ۳۲

الف) معیارهای بالینی در تشخیص مرگ مغزی ۳۳

ب) آزمون‌های تأیید کننده مرگ مغزی ۳۴

ج) وضعیت‌های مشابه مرگ مغزی ۳۵

د) حالت‌های مشتبه شونده با مرگ مغزی ۳۵

۱- تمیز مرگ مغزی از کما ۳۵

۲- تمیز مرگ مغزی از حیات نباتی ۳۶

مبحث دوّم: مباحث مربوط به روح و احکام مرگ مغزی در آموزه‌های دینی ۳۷

گفتار اوّل: مباحث مربوط به روح ۳۷

الف) حقیقت روح و ارتباط آن با بدن ۳۸

۱- نظریه‌ی جدا شدن روح از بدن با مرگ قلب ۴۱

۲- نظریه‌ی جدا شدن روح از بدن با مرگ مغز ۴۲

ب) تشابه بین متوفای مغزی و جنین قبل از ولوج روح ۴۳

۱- خلقت جنین ۴۳

۱-۱- ولوج روح در جنین از منظر فقه ۴۳

۱-۲- ولوج روح در جنین از منظر علم پزشکی ۴۵

۱-۳- مراحل خلقت جنین ۴۶

۲- حیات در جنین و حیات در متوفای مغزی ۴۶

گفتار دوّم: معادل‌های مرگ مغزی در فقه و چگونگی شناخت آن ۴۷

الف) مصداق مرگ مغزی در متون فقهی ۴۸

- ۱- موت مشتبه ۴۸
- ۲- حیات غیر مستقر (ناپایدار) ۴۹
- ۳- مقایسه‌ی مرگ مغزی و حیات غیر مستقر ۵۲
- ب) مرجع صالح در شناخت موضوع مرگ مغزی ۵۴
- ۱- معیار تشخیص موضوع مرگ مغزی ۵۵
- ۲- لزوم رجوع به متخصص در شناخت موضوع ۵۶
- ۱-۲- رجوع به متخصص از منظر آیات ۵۶
- ۲-۲- رجوع به متخصص از منظر روایات ۵۷

فصل سوّم: مرگ مغزی در قوانین ایران و دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) ۵۹

مبحث اوّل: مرگ مغزی در قوانین ایران ۶۲

گفتار اوّل: رویکرد قانون ایران به جنایت منجر به مرگ مغزی و ارزیابی آن ۶۲

الف) جنایت منجر به مرگ مغزی ۶۳

ب) ارزیابی رویکرد قانون ایران نسبت به مرگ مغزی ۶۴

۱- مرگ مغزی و ماده‌ی ۳۷۳ قانون مجازات اسلامی ۶۴

۱-۱- مفهوم شخص در حکم میت از نظر فقهی ۶۵

۱-۲- مقایسه‌ی مرگ مغزی و شخص در حکم میت ۶۶

۲- ادله‌ی قانونی مؤید موت شخص مبتلا به مرگ مغزی ۶۷

گفتار دوّم: قطع دستگاه‌های مصنوعی از متوفای مغزی در قانون ایران ۶۹

الف) مسئولیت پزشک در قطع دستگاه تنفس مصنوعی ۶۹

۱- میزان مسئولیت پزشک بر طبق قانون ایران ۷۰

۲- پایان دادن به تنفس مصنوعی متوفای مغزی ۷۱

ب) قطع دستگاه از متوفای مغزی و قتل از روی ترحم (اتانازی) ۷۲

مبحث دوّم: دیدگاه فقهی حضرت امام خمینی (ره) و نظریه‌های شاگردان ایشان در

مورد مرگ مغزی ۷۶

گفتار اوّل: شخصیت فقهی حضرت امام (ره) و نظریه ایشان در مسائل مستحدثه ۷۷

الف) فقه پویا و نقش عنصر زمان و مکان در اجتهاد	۷۷
ب) مسائل مستحدثه	۷۹
ج) نظریه امام خمینی (ره) در مورد مرگ مغزی	۸۰
گفتار دوّم: نظرات شاگردان حضرت امام خمینی (ره) درباره‌ی مرگ مغزی.....	۸۱
الف) دیدگاه حضرت آیت الله بجنوردی (دام ظلّه العالی) درباره‌ی مرگ مغزی.....	۸۱
ب) استفتاء از حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی درباره‌ی مرگ مغزی.....	۸۳
ج) استفتاء از حضرت آیت الله نوری همدانی درباره‌ی مرگ مغزی.....	۸۳
نتیجه‌گیری و راهکارها	۸۵
فهرست منابع	۸۷

مقدمه:

اسلام راهی است نمایان و روشن، راهی به زندگی و کمال، عقیده ای که جهان هستی را می‌شناساند و موقعیت انسان را در این پهنه وسیع مشخص می‌سازد و هدف اصلی آفرینش او را بیان می‌کند و برنامه ای که کلیه سازمان‌ها و تشکیلات زندگی ساز را که از آن عقیده سرچشمه گرفته و بدان متکی است، شرح می‌دهد. مقررات و قوانین اسلامی زوایای مختلف زندگی بشر را اداره می‌کند و به نیازهای گوناگون وی پاسخ می‌دهند تا انسان بتواند نیروهای خود را در راه‌های صحیح و ضروری صرف کند.

تغییر و تحولات سریع و همه جانبه در دنیای کنونی به ویژه پیشرفت شگرف و چشم گیری که در علم پزشکی و تکنولوژی وابسته به آن پدید آمده است، بی گمان در عرصه فقه و فقهات، تلاشی نو را فرا می‌خواند، زیرا در سایه این پیشرفت ضروری و اجتناب ناپذیر، فروع و موضوعات جدید پیش روی فقها خودنمایی می‌کند که تحلیل و بررسی دقیق و پاسخ گویی به آن‌ها بر اساس اصول کلی اسلام و متناسب با مقتضیات زمان و مکان ضروری بوده و نیازمند نگرش نو و کوشش فراوان می‌باشد.

اجتهاد و فقهات سنتی در عین حال که میراث گرانبغی برای فرهنگ و تمدن اسلامی است، اگر به شیوه‌های نو نیندیشد، نمی‌تواند کارآمدی خود را برای جهان امروز حفظ کند.

معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) در همان حال که اجتهاد سنتی را می‌ستود و بر فقه جواهری پای می‌فشرد و تخلف از آن را جایز نمی‌دانست، معتقد بود که «اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست»^۱ لذا ایشان همواره روحانیون را تشویق می‌کرد که با مسائل و مشکلات مردم فعالانه برخورد نمایند: «روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست»^۲ زیرا برخورد با مشکلات سبب می‌گردد فقیه نخست به عدم تناسب مشکل و راه حل‌های موجود پی ببرد و سپس نیازهای جامعه و مقتضیات زمان را به نیکی شناسایی کرده، راه حل‌های مناسب دینی را برای مشکلات مردم ارائه دهد.

۱- بیان موضوع و انگیزه انتخاب

یکی از حوزه‌های مرتبط با مسائل نوپیدا، حوزه‌ی مسائل پزشکی است که مانند دیگر جنبه‌های زندگی مدرن، دست خوش دگرگونی‌های بسیاری شده است. امروزه در علم پزشکی حالتی با عنوان مرگ مغزی مطرح می‌شود که علیرغم شباهت‌ها، تفاوت اساسی با کما و حیات نباتی دارد. لذا جهت تشخیص صحیح

^۱ - روح‌الله موسوی خمینی (امام) / صحیفه امام / ج ۲۱ / ص ۹۸.

^۲ - همان / ص ۱۰۰.

مرگ مغزی و تمیز آن از حالات مشابهش، پروتکل مرگ مغزی در ایران و دیگر کشورها طراحی شده است که با گذراندن یک سری مراحل و تأیید افراد ذیصلاح، مرگ مغزی اثبات می‌شود. اکنون مسأله این است که پس از تشخیص مرگ مغزی یک فرد، این فرد از نظر فقه و حقوق اسلامی دارای حیات است یا میت محسوب میشود و از حیث احکام حقوقی و جزایی وضعیت متوفای مغزی چگونه است؟

علیرغم این که تحقیقات بسیاری پیرامون موضوع شده است و از نظر علم پزشکی سالهاست که مرگ انسان را منتسب به مرگ مغز می‌دانند، هنوز در فقه مرگ مغزی صراحتاً مرگ قطعی اعلام نشده است و در پژوهش‌های انجام شده نیز صرفاً به مقوله‌ی پیوند اعضاء این افراد پرداخته شده است در حالی که اصولاً بر افراد متوفی، احکام فقهی - حقوقی بسیاری مترتب می‌شود که تمامی آن‌ها در مورد مبتلایان به مرگ مغزی نیز لازم الاجرا می‌باشد.

لذا بررسی حیات و احکام مربوط به شخص مبتلا به مرگ مغزی و تصویب قوانینی که بتواند جایگاه مرگ مغزی را در قانون ایران مشخص کند ضروریست.

۲- ضرورت تحقیق و اهداف آن

از طرف دیگر منقح نبودن موضوع مرگ مغزی نزد برخی از فقهای عظام شیعه و برداشت‌های مختلفی که از مرگ مغزی در ذهن این بزرگواران وجود دارد و عدم توجه به تحولات موضوعات احکام، موجب صدور فتاوی ناهماهنگ با شرایط زمان شده است. هم چنین در بیش تر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نیز پس از مطالعه مشخص می‌شود نگارنده‌های آن‌ها شناخت صحیحی از موضوع مرگ مغزی نداشته و به تفاوت‌های اساسی این حالت با حالات مشابهش مانند کما و حیات نباتی توجه نداشته اند و همین امر سبب نتیجه گیری اشتباه و غیر واقع بینانه در این تحقیقات شده است.

متأسفانه برخی از فقها و مراجع عظام شیعه بدون عنایت به بطلان نظریه اخلاطی و کانون بودن قلب برای روح حیوانی، جدا کردن دستگاه‌های تنفس مصنوعی از شخص مبتلا به مرگ مغزی را تا قبل از توقف کامل قلب جایز نمی‌دانند. به عنوان نمونه دو مورد از فتاوی مذکور در ذیل نقل می‌شود:

سؤال: چه زمانی احکام میت مانند ارث، وصیت، عده وفات در مورد زوجه و ... بر او جاری می‌شود؟ از زمان مرگ مغزی یا از زمان جدا کردن دستگاه‌های مذکور و توقف قلب؟

جواب: از زمان توقف قلب و جدا کردن دستگاه قبل از توقف کامل قلب جایز نیست و قتل به حساب می‌آید.^۱

^۱ - استفتاء از: آیه الله سید علی حسینی سیستانی (مجله طب و تزکیه / شماره ۸ / ص ۹۳.

سؤال: در حالت اغمای بدون بازگشت که مغز به طور کلی مرده است و حرکات قلبی، عروقی و تنفسی به کمک دستگاه‌ها و داروها نگه داری می‌شود، بنابراین که پیوند اعضای بدن مباح باشد آیا جدا کردن عضوی مثل قلب از بدن شخص در این حالت برای پیوند به شخص دیگر جایز است؟

جواب: برداشتن اعضای افرادی که به علت سکتته‌ی مغزی یا تصادف از لحاظ پزشکی امیدی به زنده ماندن آن‌ها نیست، ولی قلب آن‌ها از کار نیفتاده است، مشکل است خصوصاً قلب را که هنوز از کار نیفتاده اگر بردارند بعید نیست که صدق قتل کند.^۱

لذا در این نوشتار به بررسی مراحل حیات انسان و مرگ تدریجی اعضا و ادله رد نظریه‌ی اخلاطی و کانون بودن قلب، پرداخته شد و با عنایت به این که امروزه تعریف مرگ از جانب جامعه‌ی پزشکان تغییر اساسی کرده است و مرگ انسان را مرگ مغز می‌دانند، باید اثبات می‌شد که مرگ مغز، مصداق خروج روح از بدن که همان تعریف مرگ در ادله‌ی شرعی است می‌باشد.

با عنایت به این که در مسائل مستحدثه (موضوع شناسی) نقش بسیار مهم و کلیدی دارد به گونه‌ای که عدم توجه به تحول کارکردی موضوعات موجب عوض شدن حکم شرعی آن می‌شود. در مرگ مغزی نیز اختلاف فتوای فقها و مراجع عظام ناشی از ابهام در موضوع حکم در نزد فقها بوده است نه اختلاف در مبانی و استنباط از مدارک.

برخی از فقها با اعتقاد به این که مرگ و حیات از موضوعات عرفی هستند، معیار تشخیص مرگ مغزی را نیز نظر عرف دانسته‌اند. به عنوان نمونه ۲ مورد از فتاوی مراجع بزرگوار ذیلاً نقل می‌شود:

سؤال: آیا نداشتن امواج مغزی دال بر مرگ است یا نداشتن امواج قلبی؟

جواب: تشخیص مفهوم مرگ هم، مثل سایر موضوعات عرفیه، با عرف است نه ملاحظه امواج فوق الذکر و عرف تا حسن و حرکتی در شخص باشد، او را مرده نمی‌بیند.^۲

سؤال: شخصی که در اثر آسیب مغزی درک، شعور، شنوایی، بینایی و حس خود را از دست داده، فقط قلب او می‌زند و حرکت می‌کند (به کمک دستگاه)، بفرمایید: آیا چنین شخصی از نظر احکام اسلام زنده است یا خیر؟

جواب: به طور کلی میزان در حکم به مرگ و مترتب احکام موت و میت بر شخص، دایر مدار زهاق (خارج شدن) روح و حکم عرف به زهاق روح و مرگ او است و مادام که عرف حکم نمی‌کند و او را زنده می‌گویند تمام احکامی که بر آن مترتب بود شرعاً مترتب است، حتی دیه و قصاص.^۳

۱ - استفتاء از: آیه الله محمدفاضل لنکرانی. (همان / ص ۹۴)

۲ - استفتاء از: حضرت آیه الله سید علی خامنه ای / پزشکی در آینه اجتهاد (استفتاءات پزشکی / ج ۱ / ص ۱۴۵-۱۴۹).

۳ - آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی / استفتاءات پزشکی / ص ۷۷ و ۷۸.

در حالی که موضوع مرگ مغزی امری کاملاً تخصصی بوده در حال حاضر شناخت آن و تشخیص مرگ تنها پس از تأیید عرف خاص یعنی متخصص و کارشناس آن هم با انجام آزمایش‌های بالینی و تکمیلی امکان پذیر است و عرف عام در شناخت این گونه موضوعات متحیر است. و ضروریست فقها در اندیشه و عمل به این مطلب توجه داشته در این موارد فوق العاده تخصصی به نظر و تشخیص متخصص و خبره برای شناخت موضوع اعتماد کنند.

۳- سؤالات

- الف) جایگاه مرگ مغزی در حقوق ایران، اسلام و دیدگاه فقهی حضرت امام خمینی (ره) چیست؟
ب) ماهیت مرگ مغزی از نظر علم پزشکی چیست؟
ج) تاریخچه مرگ مغزی در فقه و حقوق چیست؟
د) وجوه تمایز مرگ مغزی با حالات مشابه آن کدامند؟

۴- پیشینه پژوهش

در زمینه فقهی و حقوقی مرگ مغزی کتابها و مقالاتی نگاشته شده اند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف- کتاب "مرگ مغزی و پیوند اعضا از دیدگاه فقه و حقوق"

گردآورنده: حسین حبیبی سال: ۱۳۸۰

انتشارات: دفتر تبلیغات اسلامی

در این کتاب موضوع مرگ مغزی و اقسام مختلف پیوند اعضا و دیدگاه و ادله موافقان و مخالفان پیوند اعضا بررسی شده و برخی مشکلات عاطفی، اجتماعی و اجرائی برداشت عضو از مردگان مغزی مورد بحث قرار گرفته است.

ب- کتاب "پیوند اعضا در آینه فقه"

گرد آورنده: علی پورجوهری سال: ۱۳۸۴

انتشارات: دانشگاه امام صادق (ع)

در این کتاب ضمن بحث در مورد اهمیت حیات و سلامت انسان از نظر شرع و نقش پیوند اعضا در حفظ حیات و رابطه انسان با اعضای بدن خود و حدود تصرف در آن، به بررسی و نقد جواز و عدم جواز برداشت عضو پیوندی، پرداخته شده است.

ج- کتاب "پیوند اعضا (مباحث علمی، اخلاقی، حقوقی و فقهی)"

گردآورنده: باقر لاریجانی سال: ۱۳۸۴